

Farsi: Festival Day

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist Church March 24th, 2024 – Mark 11:1-11)



Samanu
wheat pudding



Sir
garlic



Senjed
lotus tree fruit



Serkeh
vinegar



Sumac
berry spice



Seeb
apple



Sabzeh
wheat grass

امروز به لطف زهرا کمی با نوروز، سال نو ایرانی آشنا شدیم. ما شنیده ایم که چه نوع جشن و جشنی است، خانواده ها چگونه دور هم جمع می شوند و به اشتراک می گذارند. ما با 7 نماد و معنی آنها آشنا شده ایم. همه این علائم در فارسی با یک حرف شروع می شوند، اما من در مورد آنها به زبان انگلیسی و معانی آنها صحبت خواهم کرد. 1. سبزه گندم جوانه زده نماد تولد دوباره و رشد است. 2. پودینگ گندم شیرین نماد قدرت و قدرت است. 3. میوه درخت نیلوفر آبی نماد عشق است. 4. سماق ادویه توت نماد طلوع خورشید است. 5. سرکه نماد پیری و صبر است. 6. سیب نماد زیبایی است. 7. سیر نماد سلامتی و دارو است. خواندن انجیل امروز ما نیز درباره یک جشنواره، یک جشن است بسیاری برای جشن عید فصح به اورشلیم می روند. البته عید فصح خروج قوم عبری از مصر و برده داری را جشن گرفت. زمانی بود که یکی از داستان های گذشته را جشن می گرفتند، البته داستان آزادی است. مانند دوستان ایرانی مان و در واقع ما وقتی جشن هایی مانند کریسمس و عید پاک را جشن می گیریم، خانواده ها و دوستان دور هم جمع می شدند. مانند جشن های ما، عید فصح با آواز خواندن دعا، رقص و بزم مشخص می شد. انتظار و خوشحالی زیادی در میان جمعیت وجود داشت. این همان چیزی است که عیسی به آن سوار می شود. و همانطور که سوار می شود از او پذیرایی سلطنتی درستی می شود - لباس هایی که روی زمین انداخته شده، شاخه های درختان کنده شده و به نشانه استقبال دست تکان می دهند. و او بر الاغی سوار می شود، چیزی که ما فکر می کنیم یک عمل تواضع و فروتنی است و این، ارا به بزرگی نیست، با این حال این وسیله حمل و نقلی نیز بود که خانواده سلطنتی از آن استفاده می کردند. بدون شک برخی از جمعیت با دیدن لباس های پراکنده در جاده و تکان دادن شاخه های درخت، این ایده را به یاد آوردند که مسیح چگونه وارد خواهد شد. پس فریاد می زنند حسنا! خوشا به حال کسی که به نام خداوند می آید! خجسته است پادشاهی آینده جد ما داوود! حسانا! در بالاترین آسمان! « دقیقاً نمی گوئیم عیسی مسیح است، اما نزدیک شدن. و سپس عیسی، جای تعجب نیست که به معبد می رود. سپس به بتانی به خانه دوستش باز می گردد. و ما مانده ایم که بدانیم بعد چه خواهد شد. هر یکشنبه نخل تعجب می کنم که چه کسی در بین جمعیت بود. آنها فکر می کردند عیسی کیست؟ برخی بدون شک او را به عنوان یک رهبر سیاسی، دیگران یک مشکل ساز، برخی یک کار شگفت انگیز، و برخی دیگر یک بیبا می دانستند. برای برخی او فقط معلم و دوست آنها بود. برای

برخی او فقط یک سنت از ناصره بود. بعضی ها فکر می کردند که او خیلی محبوب شده است و باید ساکت شود. و برخی گمان می کردند که او همان مسیحی است که برای او صبر کردند و دعا کردند در میان جمعیت، انتظارات زیادی از کسی که با تشویق فراوان استقبال کردند وجود داشت، عیسی نمادی از امیدها و رویاهای مختلف کسانی بود که دور او جمع شده بودند

همچنین در این فکر می کنم که عیسی در آن روز چه فکری می کرد، در حالی که سوار بر کلت می شد و به بسیاری از مردم در جمعیت خیره می شد. آیا او نگران اتفاقاتی که در حال رخ دادن بود به بیتانی بازگشت، نگران برخی از افرادی که در میان جمعیت می دید، نگران این بود که خیلی آسان است که در هیاهوی جمعیت گرفتار شوید و سپس صبح شروع به فکر کردن متفاوت کنید. آیا می دانست که امر اجتناب ناپذیر همین نزدیکی است، که به اندازه کافی از آن ها ناراحت شده بود که برای حفظ سبک زندگی و موقعیت شان اقدام می کردند و سعی می کردند یکبار برای همیشه او را ساکت کنند. آیا او تغییر خلق و خو را حس کرد؟ آیا او احساس کرد چیزی در حال دمیدن است؟ همانطور که داستان عیسی را به یاد می آوریم، کمی معلق مانده ایم. ما واقعاً نمی دانیم که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد. آیا جمعیت به دنبال او ادامه خواهند داد یا نظر خود را تغییر خواهند داد؟ چه کسی در این داستان حرف آخر را خواهد زد؟ با ورود به هفته مقدس، بقیه داستان را به خاطر می آوریم و بر موج احساسات عیسی در آن هفته سرنوشت ساز سوار می شویم؟ آیا در یادآوری تمام اتفاقات آن هفته به او خواهید پیوست؟